

متن پرسش

سلام علیکم: در سوال ۲۸۳۶۲ که در باب تفاوت انقلاب اسلامی با نظامهای ایدئولوژیک نوشتید، یک نظری داشتم که خواستم خدمتتان مطرح کنم. با توجه به متن سوال، بیشتر تمرکز بر روی حکومتهای توتالیتزر و حکومتهای نظیر شوروی یا حتی در سطح جهان اسلام مثل آل سعود یا آل خلیفه را داشت و این گونه حکومتها با اینکه اساساً بر اساس ایدئولوژی خاصی که قرارست زمامداری و جریان سازی اجتماعی کنند و با حکومتهای مرسوم لیبرال دموکراسی و مدرنیته فاصله و تفاوت دارند، ولی اساساً ظرفیتی برای احیای تمدنی ماورای مدرنیته که در این تاریخ بتواند ظهور و بروز پیدا کند و خویشتن اصیل و توحیدی بشر که اصل وجود و جان و نفس اوست را احیا کند و در عین ظهور و بروز در این عصر، بشر را از عقل منهای عالم قدسی همچنین فرهنگ مدرنیته و سوبژکتیویته شدن دیدگاه بشر عبور دهد و با رجوع به عالم بشر موحد در این عصر و بعثت تاریخی انسان، او را به انس و آشتی با رب العالمین ببرد و با حرکت بسوی وجود و حقایق باطنی عالم، بتواند ما را از تامه های کبری و یا غبارهای آخرالزمانی رها سازد، ندارد و از جنس حقیقتی توحیدی و وجودی و اشراقی نیست. امیدوارم نظرم توانسته باشد این بحث را دریابد و توانسته باشم منظور و مقصود حضرتعالی را دریابم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: کاملاً همین طور است. سعی داشتم در جواب آن سؤال تذکری به سؤالکننده‌ی محترم داده باشم، ان هم به صورت کاملاً اجمالی. اتفاقاً بعداً گفتم ای کاش متذکر آل سعود که مصداق سخن خانم هانا آرنهت می‌باشد؛ می‌شدم. تأکید بنده آن است که وقتی در نظامی حقیقت یعنی توحید، به میان آید اساساً آن نوع تنگ‌نظری‌ها مطرح نیست، هرچند ما نیز بعضاً گرفتار آن نوع داعشی‌گری‌ها هستیم، ولی کلیت نظام، تقابل توحید با استکبار است و این است مأوای بشر امروز، و راز دفاع ما از انقلاب اسلامی در این جا است. موفق باشید